

فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۲۲

شماره پیاپی ۱۹، صص: ۳۸-۲۱

بررسی زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران از دید اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی این دانشگاه^۱ سمیرا سلیمان پور^۲، عبدالحسین فرج پهلوی^۳، حسین دهداری راد^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز از دیدگاه جامعه علمی این دانشگاه یعنی اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. روش‌شناسی: تحقیق حاضر از نوع توصیفی است که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه پژوهش را جامعه پژوهشی دانشگاه یعنی اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی تشکیل می‌دهند. جامعه نمونه با روش تصادفی طبقه‌ای به تفکیک جنسیت و دانشکده صورت گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای است که بر مبنای یافته‌های پژوهش پورسراجیان، اولیاء و سلطانی علی‌آبادی (۱۳۹۲) و نیز پرسشنامه‌ی سلیمان پور (۱۳۹۴) تدوین شده بود.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها، بیانگر این بود که درباره وجود کلیت هر پنج مؤلفه اشتراک دانش، یعنی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، راهبردهای مدیریتی، عوامل ساختاری - اداری، ساختار فرهنگی و عوامل انسانی از نظر اساتید و دانشجویان نوعی اتفاق نظر وجود دارد ولی در مورد جزئیات مؤلفه‌های تشکیل دهنده این زیرساخت‌ها برخی اختلاف نظرهایی بین اعضای هیأت علمی و دانشجویان وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر این است که، وضعیت حاضر زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران در حد متوسط است که در صورت توجه جدی‌تر به پیاده‌سازی مدیریت دانش در این دانشگاه، چه از سوی مسئولین دانشگاه و چه از سوی قطب علمی مدیریت دانش که در این دانشگاه مستقر است، موفقیت نسبی حاصل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اشتراک دانش، زیرساخت‌ها، دانشگاه شهید چمران، قطب مدیریت دانش

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی بررسی وضعیت زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز در راستای اهداف قطب علمی مدیریت دانش مصوب قطب علمی مدیریت دانش می‌باشد.
۲. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی (نویسنده رابط). ایمیل: s.soleimapour13@gmail.com
۳. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز. ایمیل: farajpahlou@scu.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: dehdari.hossein@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

با ورود جوامع به قرن جدید، دانش نیز همانند اطلاعات و فناوری به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده توسعه و پیشرفت مطرح شد و بهره گرفتن از دانش به عنوان یکی از دارایی‌های ناملموس در محافل علمی و مدیریتی و بسیاری از سازمان‌ها رواج یافت. اما بهره‌گیری از دانش موجود نیازمند مدیریت و سازمان‌دهی آن است از این رو رفته رفته، ایده‌ها و طرح‌هایی که در این زمینه مطرح شدند، تحت عنوان "مدیریت دانش" شکل گرفتند و چارچوب و اصول خود را یافتند.

مدیریت دانش فرایندی است که دارای چهار مرحله‌ی خلق دانش، ذخیره‌ی دانش، اشتراک دانش و کاربرد آن است (جاشاپارا^۱، ۱۳۸۸). در این میان، به اشتراک‌گذاری دانش تولید شده یکی از مراحل مهم و اساسی در این فرایند محسوب می‌شود. کینگ^۲ (۱۹۹۹) معتقد است که اشتراک دانش ابزاری بنیادی و کاربردی است که موجب تبادل اطلاعات به صورت متمرکز و هدفمند از ارسال کننده به دریافت کننده‌ی آن می‌شود. اشتراک دانش تولید شده امکان دستیابی به مزیت‌های رقابتی بیشتر را برای سازمان‌ها فراهم می‌سازد. وی معتقد است که اشتراک هدفمند دانش در سازمان‌ها یادگیری فردی و سازمانی را سرعت می‌بخشد و در نتیجه، خلاقیت و نوآوری رشد می‌یابد و دانش موجود در سازمان گسترش می‌یابد.

مدیریت دانش جریانی است که می‌تواند در جوامع دانش‌محور حاکم شود. کشور ما نیز با تنظیم سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ۱۴۰۴ سعی در افزایش توانایی کشور در تولید علم و فناوری، برخورداری از دانش پیشرفته، تکیه بر منابع انسانی برای رسیدن به جامعه‌ی دانش‌محور دارد. با توجه به مفاد این سند دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز به نوبه‌ی خود دارای نقش کلیدی و اساسی در رسیدن به یک جامعه‌ی دانش‌محور هستند. دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان یکی از دانشگاه‌های مطرح در کشور علاوه بر رسالت کلی آموزشی و پژوهشی خود، به عنوان قطب علمی مدیریت دانش، در حوزه‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز به طور خاص فعال می‌باشد. قطب مدیریت دانش درصدد ایجاد زیرساخت‌های لازم برای فراهم کردن زمینه‌های علمی و پژوهشی و ایجاد شرایط لازم برای توسعه جامعه و نهادهای آن برای دستیابی به جامعه‌ی دانش‌محور است.

-
1. Jashapara
 2. King

بی‌تردید اشتراک دانش یکی از فرایندهای اساسی و کلیدی هر پروژه مدیریت دانش است که بدون آن استقرار مدیریت دانش در سازمان تحقق نمی‌یابد. از این رو، می‌توان انتظار داشت که با توجه به اهمیت و جایگاه اشتراک دانش تولید شده، قطب مدیریت دانش دانشگاه شهید چمران اهواز در کمک به گسترش فرهنگ مشارکت در استفاده از دانش موجود، ایجاد مخزن دانش و تشویق به توسعه‌ی آن، فراهم کردن امکانات لازم برای عینی کردن دانش نهفته در نزد افراد و در واقع کمک به تبدیل دانش ذهنی به دانش عینی در این دانشگاه را به عنوان یک سازمان دانش‌محور در دستور کار خود داشته باشد. بدون شک دست یافتن به تمام موارد ذکر شده نیازمند وجود برنامه‌های راهبردی، پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی، برقراری نظام پاداش و دستمزد، سنجش مستمر وضعیت دانش سازمانی، آموزش مفاهیم مرتبط بر اساس مدیریت دانش، و به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از ملزومات پشتیبانی فنی و مدیریتی است که زیرساخت‌های لازم را تشکیل می‌دهند؛ و اما در اینجا مسئله این است که زیرساخت‌های لازم برای استقرار اشتراک دانش تا چه حد در دانشگاه شهید چمران اهواز فراهم هستند.

با توجه به موارد ذکر شده در بالا و اهمیت خاص زیرساخت‌های اشتراک دانش، هدف پژوهش حاضر این است که در راستای کمک به مدیران و برنامه‌ریزان دانشگاه و قطب علمی مدیریت دانش برای دستیابی به برنامه‌ها و اهداف تعیین شده، به منظور تعیین وضعیت این زیرساخت‌ها، اطلاعات لازم را فراهم کند. زیرساخت‌هایی که برای اشتراک دانش مورد بررسی قرار گرفته‌اند با الهام از نتایج پژوهش پورسراجیان، اولیاء و سلطانی علی‌آبادی (۱۳۹۲)، عبارتند از: فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، راهبردهای مدیریتی، عوامل ساختاری - اداری، ساختار فرهنگی و عوامل انسانی

سؤالات پژوهش

برای پرداختن به مسئله پژوهش حاضر، محققین در پی یافتن پاسخ برای سؤالات زیر بودند:

۱. وضعیت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجود برای اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟
۲. وضعیت راهبردهای مدیریتی موجود برای اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟

۳. وضعیت ساختار سازمانی موجود برای اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟
۴. وضعیت ساختار فرهنگی موجود برای اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟
۵. وضعیت نیروی انسانی موجود برای اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟
۶. آیا از نظر زیرساخت‌های اشتراک دانش بین دانشکده‌های دانشگاه شهید چمران اهواز تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با اشتراک دانش مطالعات چندی صورت گرفته است که بررسی آن‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است که اشتراک دانش از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون می‌تواند مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گیرد. جستجوهای محققین حاضر نشان داد که پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با اشتراک دانش در محیط‌های دانشگاهی به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته آن‌هایی که به خود اشتراک دانش در میان اعضای هیأت علمی و دانشجویان پرداخته‌اند، و دسته دیگر آن‌هایی که به رفتارهای اشتراک دانش اختصاص دارند.

الف. اشتراک دانش در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در خارج و داخل کشور:

از جمله محققینی که در خارج کشور به این جنبه پرداخته‌اند عبارتند از: سهیل و دُد^۱ (۲۰۰۹)، مینگ، هو و لا^۲ (۲۰۰۹)، چین، یی، گوگ^۳ (۲۰۱۳)، فول وود، رولی، دلبریج^۴ در خارج از کشور؛ و نیز، جعفرزاده کرمانی (۱۳۹۰)، علی‌پور درویشی (۱۳۹۱)، اسماعیل پناه و خیاطی مقدم (۱۳۹۲)، نعمتی انارکی، نوشین فرد، باب الحوائجی و اباذری (۱۳۹۱)، نعمتی انارکی، نوشین فرد (۱۳۹۲) که در داخل کشور به بررسی رفتار اشتراک دانش در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها پرداختند.

1. Sohail & Daud
 2. Ming, Ho & Lau
 3. Chin, Yee & Geok
 4. Fullwood, Rolley, Delbridge

ب. الگوی رفتاری اشتراک دانش در میان دانشجویان و سایر مؤسسات در خارج و داخل کشور: در این رابطه، در خارج از کشور پژوهش‌هایی توسط تینگ و مجید^۱ (۲۰۰۶)، ایزی‌کا، اسماعیل و احمدخان^۲ (۲۰۱۲)، قدیریان، فوزی مُهد ایوب، سیلونگ، بنت ابوبکر و حسین‌زاده^۳ (۲۰۱۴) انجام شده است. اما در داخل کشور مانیان، میرا و کریمی (۱۳۹۰)، و سلیمان‌پور (۱۳۹۴) به بررسی الگوهای رفتاری اشتراک دانش در محیط‌های دانشگاهی پرداخته‌اند و تاجداران، رضایی شریف‌آبادی و رفوآ (۱۳۹۲) در صنعت بیمه.

مرور و بررسی پیشینه‌ها نشان داد که تاکنون پژوهشی در مورد بررسی وضعیت اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن در میان کل جامعه دانشگاهی پژوهش محور که در عین حال عمدتاً مخاطبین قطب علمی دانشگاهی را تشکیل می‌دهند (اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی)، در زمینه اشتراک دانش انجام نشده است. لذا در تحقیق حاضر سعی بر این است که این خلأ به ویژه با نگاهی به اهداف قطب مدیریت دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز مرتفع شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر پیمایشی از نوع توصیفی است. جامعه‌ی این پژوهش را کلیه‌ی اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال‌های ۹۳ - ۹۴ تشکیل می‌دادند. کل اعضای هیأت علمی در مقطع زمانی پژوهش طبق آمار ارائه شده توسط دانشگاه ۵۳۶ نفر و تعداد کل دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۵۰۸۶ نفر بودند. طبق جدول کرجسی - مورگان حجم نمونه پژوهش بالغ بر ۵۸۳ نفر محاسبه شد که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به نسبت جمعیت اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی هر دانشکده و به تفکیک جنسیت افراد انتخاب شدند.

در این پژوهش جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز، از پرسشنامه‌ای استفاده شد که بر مبنای یافته‌های پژوهش‌های پورسراجیان، اولیاء و سلطانی علی‌آبادی (۱۳۹۲) و سلیمان‌پور (۱۳۹۴) تدوین شده بود. روایی پرسشنامه توسط هفت تن از اساتید علم اطلاعات و دانش‌شناسی بررسی و تأیید شد و پایایی آن از طریق محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شد که در نتیجه عدد

1. Ting & Majid

2. Isika, Ismail & Ahmad Khan

3. Ghadirian, Fauzi Mohd Ayub, Silong, Binti Abu Bakar, Hossein Zadeh

۰/۹۴ به دست آمد که گویای پایایی قابل قبولی است. ضمناً از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده در نهایت تعداد ۵۲۴ پرسشنامه برگشت داده شد که گویای نرخ برگشت ۰/۸۹ می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹، از تکنیک‌های آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی، درصد و میانگین برای اطلاعات جمعیت‌شناختی و توصیف گویه‌های پرسشنامه استفاده شد. علاوه بر این، برای بررسی و تحلیل اختلاف بین نظرات اساتید و دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه شهید چمران اهواز از نظر زیرساخت‌های موجود، از روش‌های آماری تحلیل واریانس و آزمون پیگیری ال اس دی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، یافته‌های پژوهش در دو بعد جمعیت‌شناختی و زیرساخت‌های اشتراک دانش ارائه می‌شوند.

الف. اطلاعات جمعیت‌شناختی:

اطلاعات جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر بیانگر این است که از میان ۲۰۴ نفر از کل اعضای هیأت علمی شرکت‌کننده در پژوهش ۱۷۲ نفر آنان را مردان و ۳۲ نفر را زنان تشکیل داده بودند. همچنین، بیشتر پاسخ‌دهندگان ۱۶/۷٪ از دانشکده‌ی فنی و مهندسی و کمترین آنان یعنی ۳/۴٪ از دانشکده‌ی علوم آب بودند. بیشتر اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز یعنی ۹۱/۷٪ دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی بودند که از این عده ۳۷/۷٪ دارای مرتبه‌ی علمی استادیاری بودند. بیشتر اعضای هیأت علمی یعنی ۴۰/۱٪ بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه‌ی تدریس داشتند. همچنین، از میان ۳۲۰ نفر از کل دانشجویان تحصیلات تکمیلی شرکت‌کننده در پژوهش، ۱۷۹ نفر را مردان و ۱۴۱ نفر را زنان تشکیل داده بودند. بیشتر پاسخ‌دهندگان (۶۹/۴٪) در مقطع کارشناسی ارشد بودند که از این تعداد بیشترین افراد (۱۷/۲٪) در دانشکده‌ی فنی و مهندسی، و کمترین آنان (۳/۸٪) در دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی مشغول به تحصیل بودند.

ب. وضعیت زیرساخت‌های اشتراک دانش:

در این بخش بر اساس سؤالات پژوهش به بیان وضعیت زیرساخت‌های اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه شهید چمران اهواز می‌پردازیم.

سؤال اول پژوهش، وضعیت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجود برای اشتراک دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی را مورد بررسی قرار داده بود. این زیرساخت دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌های "سازگاری و مطابقت"، "پشتیبانی"، "انتظارات"، "آموزش" و "میزان دسترسی و استفاده" بوده است. در این پژوهش منظور از "سازگاری و مطابقت"، همخوانی سیستم‌ها و فناوری اطلاعاتی موجود در سازمان با فرایندهای مرتبط با اشتراک دانش و نیازهای اطلاعاتی اعضای هیأت علمی و دانشجویان است. منظور از مؤلفه "پشتیبانی"، پشتیبانی فنی است که از نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجود در داخل و خارج از دانشگاه انجام می‌شود. منظور از مؤلفه "انتظارات" مجموعه انتظاراتی است که اعضای هیأت علمی و دانشجویان از نظام‌های موجود دارند تا به واسطه آن از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بهره‌مند شود. "آموزش" به معنی آشنا ساختن کاربران با نحوه‌ی استفاده از سیستم‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی است. "میزان دسترسی و استفاده"، منظور دسترسی به سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و نیز استفاده از آن‌ها است.

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، میانگین مؤلفه‌های زیرساخت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی محاسبه گردید. فهرست این مؤلفه‌ها و ارقام به دست آمده برای هر یک در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: میانگین مؤلفه‌های زیرساخت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دانشگاه شهید چمران اهواز

مؤلفه‌ها	اعضای هیأت علمی	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
سازگاری و مطابقت	۳/۰۴	۲/۷۱
پشتیبانی	۳/۳۷	۲/۶۴
انتظارات	۲/۸۷	۲/۳۸
آموزش	۲/۷۲	۲/۴۴
میزان دسترسی و استفاده	۲/۷۰	۳/۳۰
میانگین	۲/۹۴	۲/۶۹

از بین میانگین‌های به دست آمده از نظرات اعضای هیأت علمی، بیشترین آن مربوط به

مؤلفه‌ی "سازگاری و مطابقت" و کمترین آن مربوط به مؤلفه‌ی "میزان دسترسی و استفاده" بود. نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی در ارتباط با مؤلفه‌ی "میزان دسترسی و استفاده" با نظر اساتید کاملاً مخالف بود ولی از نظر دانشجویان، کمترین میانگین متعلق به مؤلفه‌ی "انتظارات" بود.

سؤال دوم پژوهش، در باره وضعیت "راهنماهای مدیریتی" موجود برای اشتراک دانش می‌پرسد. مؤلفه‌های "مدیریت و رهبری"، "آموزش"، "حمایت مادی" و "حمایت معنوی" مؤلفه‌های این زیرساخت بودند. منظور از "مدیریت و رهبری" این است که مدیران توانمندی رهبری فعالیت‌های پژوهشی افراد را داشته باشند. همچنین، مدیریت باید بتواند از یکسو منابع انسانی را به نحو مناسبی به فعالیت‌های مربوط تخصیص دهد، و از سوی دیگر، زمینه ارتباط بین متخصصین سازمان خود با متخصصین سازمان‌های دیگر را فراهم نماید. "آموزش" بدین معنی است که برنامه‌ریزی‌های لازم برای آموزش و یادگیری افراد جهت انعطاف‌پذیری بیشتر آنان صورت گیرد. منظور از مؤلفه "حمایت مادی"، فراهم کردن منابع کافی، ایجاد انگیزه‌های تشویقی و خلق فرصت‌های مناسب برای سهولت بخشیدن به فعالیت‌های اشتراک دانش است. همچنین، منظور از "حمایت معنوی"، حمایت از فعالیت‌های تحقیقاتی به منظور اشتراک دانش و تشویق افراد به انجام فعالیت‌های علمی مرتبط با اشتراک دانش می‌باشد.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از نظر اعضای هیأت علمی، بین مؤلفه‌های راهنماهای مدیریتی، "حمایت مادی" دارای بیشترین میانگین و مؤلفه‌ی "آموزش" دارای کمترین میانگین هستند. از نظر دانشجویان، مؤلفه‌ی "حمایت معنوی" دارای بیشترین میانگین و مؤلفه‌ی "حمایت مادی" دارای کمترین میانگین بوده است.

جدول ۲: میانگین مؤلفه‌های زیرساخت عوامل راهنماهای مدیریتی در دانشگاه شهید چمران اهواز

مؤلفه‌ها	اعضای هیأت علمی	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
مدیریت و رهبری	۲/۷۱	۲/۶۶
آموزش	۲/۶۸	۲/۵۳
حمایت مادی	۲/۷۳	۲/۲۸
حمایت معنوی	۲/۷۲	۲/۷۳
میانگین	۲/۷۱	۲/۵۹

سؤال سوم پژوهش، وضعیت "ساختار سازمانی" موجود برای اشتراک دانش را بررسی کرده بود. این زیرساخت دارای پنج مؤلفه است که شامل "ساختار دانشی"، "ارتباطات سازمانی"، "رسمیت"، "انعطاف‌پذیری" و "حمایت معنوی" می‌باشند. در این پژوهش منظور از "ساختار دانشی" بهره‌گیری از مدیریت دانش ارشد و همچنین، استفاده از مراکزی به عنوان فعالیت‌های دانشی جهت تدوین، هدایت و هماهنگی برنامه‌های مدیریت دانش می‌باشد. منظور از مؤلفه "ارتباطات سازمانی" برقراری ارتباطات سازمانی دوسویه در داخل سازمان از بالا به پایین و بالعکس است. "رسمیت" یعنی وجود زمینه‌های قانونی و رسمی برای برقراری ارتباطات بین فردی و اشتراک دانش می‌باشد. "انعطاف‌پذیری" بیانگر وجود ساختاری غیررسمی و غیر سلسله مراتبی به عنوان زمینه‌ساز برقراری ارتباطات بین فردی هر چه بیشتر و مبادله دانسته‌ها و دانش بین افراد است. مؤلفه‌ی "حمایت معنوی" بیانگر حمایت از فعالیت‌های اشتراک دانش در راستای حمایت از فرهنگ اشتراک دانش و توجه و احترام به افراد صاحب دانش است. میانگین‌های به دست آمده برای مؤلفه‌های این زیرساخت در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شوند. طبق این جدول، بر اساس میانگین‌های به دست آمده از نظرات اعضای هیأت علمی، مؤلفه‌ی "ساختار دانشی" دارای بیشترین میانگین، و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه‌ی "رسمیت" است. این در حالی است که نظر دانشجویان مغایر با نظر اعضای هیأت علمی است و از نظر آنان، مؤلفه‌ی "حمایت معنوی" دارای بیشترین و مؤلفه‌ی "ساختار دانشی" دارای کمترین میانگین بوده است.

جدول ۳: میانگین مؤلفه‌های زیرساخت عوامل ساختاری - اداری در دانشگاه شهید چمران اهواز

مؤلفه‌ها	اعضای هیأت علمی	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
ساختار دانشی	۲/۷۸	۲/۵۳
ارتباط سازمانی	۲/۷۴	۲/۶۰
رسمیت	۲/۷۰	۲/۷۳
انعطاف‌پذیری	۲/۷۳	۲/۷۲
حمایت معنوی	۲/۷۱	۲/۸۱
میانگین	۲/۷۳	۲/۶۸

سؤال چهارم پژوهش، به بررسی وضعیت ساختار فرهنگی موجود برای اشتراک دانش اختصاص داشت. این زیرساخت دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌های "رقابت"، "حمایت"، "همکاری"، "اعتماد"، "جوسازمانی"، "مشوق‌های یادگیری محور" و "ارتباط بین فردی" بوده است. در

این پژوهش منظور از مؤلفه‌ی "رقابت" تلاش برای پیشی گرفتن بر یکدیگر برای حفظ مزیت علمی و اطلاعاتی است. "حمایت" منظور پشتیبانی و حفاظت از فعالیت‌های به اشتراک‌گذاری دانش نظیر فعالیت‌های تحقیقاتی مشترک و مانند این‌ها می‌باشد. "همکاری" به معنی ایجاد زمینه‌های لازم برای انجام فعالیت‌های گروهی به منظور رسیدن به اهداف مشترک می‌باشد. مؤلفه‌ی "اعتماد" بیانگر وجود اعتماد لازم بین افراد برای اشتراک‌گذاری دانسته‌ها و دانش است. "جوسازمانی" بیانگر فضای مناسب و ترغیب‌کننده‌ای است که در آن فضا افراد با آسودگی خیال با یکدیگر به تبادل نظر می‌پردازند. در اینجا منظور از "مشوق‌های یادگیری محور" وجود عوامل برانگیزاننده‌ای است که افراد را ترغیب می‌کند تا از یکدیگر بیاموزند و دانسته‌های خود را به اشتراک بگذارند. "ارتباط بین فردی" بیانگر ارتباطات دوستانه و متقابل است که موجب سهولت اشتراک دانش بین افراد می‌شود.

جدول ۴ بیانگر نظرات هردو گروه آزمودنی در خصوص زیرساخت فرهنگی در دانشگاه شهید چمران است. همانطور که ارقام این جدول نشان می‌دهند، از نظر اعضای هیأت علمی، بیشترین میانگین متعلق به مؤلفه‌ی "مشوق‌های یادگیری محور" و کمترین آن به "ارتباط بین فردی" تعلق دارد. لیکن از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی، مؤلفه‌ی "رقابت" دارای بیشترین میانگین و مؤلفه‌ی "مشوق‌های یادگیری محور" دارای کمترین میانگین است.

جدول ۴: میانگین مؤلفه‌های زیرساخت فرهنگی در دانشگاه شهید چمران اهواز

مؤلفه‌ها	اعضای هیأت علمی	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
رقابت	۳/۰۴	۳/۴۶
حمایت	۳/۱۳	۳/۱۲
همکاری	۳/۲۳	۲/۸۸
اعتماد	۳/۲۴	۲/۷۶
جوسازمانی	۳/۲۶	۲/۶۵
مشوق‌های یادگیری محور	۳/۲۸	۲/۳۲
ارتباط بین فردی	۲/۹۱	۳/۱۹
میانگین	۳/۰۱	۲/۹۱

سؤال پنجم پژوهش، به بررسی وضعیت نیروی انسانی موجود برای اشتراک دانش اختصاص داشت. این زیرساخت دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌های "فرصت"، "آگاهی"، "مهارت‌های

ارتباطی"، "اعتماد" و "ویژگی‌های شخصیتی - اخلاقی" است. در این پژوهش منظور از مؤلفه‌ی "فرصت" فراهم بودن مجال و زمان کافی برای تبادل نظر و به اشتراک گذاشتن دانسته‌ها با یکدیگر است. "آگاهی" یعنی شناخت و اطلاع داشتن از توانمندی‌های علمی خود و اطلاع داشتن از افرادی که نیازمند یا برخوردار از دانش می‌باشند. "مهارت‌های ارتباطی" در برگیرنده‌ی مهارت‌های فردی لازم برای برقراری ارتباطات رسمی یا دوستانه برای اشتراک دانش است. مؤلفه "اعتماد" بیانگر اعتماد و اطمینان به صحت و شایستگی منابع دانش و به گیرندگان دانش است. "ویژگی‌های شخصیتی - اخلاقی" منظور آن دسته از ویژگی‌های فردی است که از تیپ و ویژگی‌های شخصیتی و نیز عقاید، بینش و فرهنگ آنان سرچشمه می‌گیرد؛ مانند حفظ مالکیت، روحیه امتیاز طلبی و ترس از دست دادن مزیت و امتیازات فردی.

جدول ۵: میانگین مؤلفه‌های زیرساخت عوامل انسانی در دانشگاه شهید چمران اهواز

مؤلفه‌ها	اعضای هیأت علمی	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
فرصت	۲/۹۱	۲/۹۱
آگاهی	۲/۴۵	۳/۱
مهارت‌های ارتباطی	۲/۹۷	۳/۲۱
اعتماد	۲/۹۶	۳/۲۰
ویژگی‌های شخصیتی	۲/۸۵	۲/۴۵
میانگین	۲/۸۲	۲/۹۷

میانگین‌های کسب‌شده برای مؤلفه‌های زیرساخت عوامل انسانی در جدول ۵ مشاهده می‌شود. از نظر اعضای هیأت علمی بیشترین میانگین برای مؤلفه‌ی "مهارت‌های ارتباطی" و کمترین آن برای مؤلفه‌ی "آگاهی" است. ولی از نظر دانشجویان، بیشترین میانگین برای مؤلفه - ی "مهارت‌های ارتباطی" و کمترین آن برای مؤلفه‌ی "ویژگی‌های شخصیتی" به دست آمده است.

جدول ۶: میانگین زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز

زیرساخت‌های اشتراک دانش	اعضای هیأت علمی	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی	۲/۹۴	۲/۶۹
راهبردهای مدیریتی	۲/۷۱	۲/۵۹
عوامل ساختاری - اداری	۲/۷۲	۲/۶۸

۲/۹۱	۳/۰۱	ساختار فرهنگی
۲/۹۷	۲/۸۲	عوامل انسانی

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، نظر اساتید و دانشجویان درباره وضعیت زیرساخت‌های موجود در دانشگاه شهید چمران کاملاً یکسان نیست. این دو گروه در خصوص دو زیرساخت "ساختار فرهنگی" و "عوامل انسانی" اختلاف نظر دارند. از نظر اعضای هیأت علمی "ساختار فرهنگی" دارای وضعیت بهتری است، در حالی که از نظر دانشجویان، "عوامل انسانی" نسبت به بقیه زیرساخت‌ها وضعیت بهتری دارد. با توجه به موارد بالا، در نهایت، سؤال ششم پژوهش درباره اختلاف معنی‌دار بین دانشکده‌های دانشگاه شهید چمران اهواز از نظر زیرساخت‌های اشتراک دانش بررسی می‌کند. حاصل این بررسی در جدول ۷ دیده می‌شود.

جدول ۷: اختلاف در زیرساخت‌های اشتراک دانش هر دانشکده نسبت به دانشکده‌های دیگر

دانشکده مبنا	دانشکده‌های دارای اختلاف دیگر
ادبیات	علوم آب، علوم زمین، ریاضی
اقتصاد	ریاضی، علوم آب، علوم زمین
الهیات	ریاضی علوم آب علوم زمین
تربیت بدنی	ریاضی علوم آب علوم زمین
دامپزشکی	کشاورزی ریاضی علوم آب علوم زمین
کشاورزی	دامپزشکی، علوم، علوم آب، علوم زمین، مهندسی
علوم تربیتی	علوم آب، علوم زمین
علوم	کشاورزی، ریاضی، علوم آب، علوم زمین
ریاضی	ادبیات، اقتصاد، الهیات، تربیت بدنی، دامپزشکی، علوم، مهندسی
علوم آب	ادبیات، اقتصاد، الهیات، تربیت بدنی، دامپزشکی، کشاورزی، علوم، علوم تربیتی، مهندسی
علوم زمین	ادبیات، اقتصاد، الهیات، تربیت بدنی، دامپزشکی، کشاورزی، علوم، علوم تربیتی،

مهندسی	
فنی مهندسی	کشاورزی، ریاضی، علوم آب، علوم زمین

توضیح اینکه برای بررسی وجود اختلاف در اظهارات اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشکده‌های مورد بررسی، ابتدا از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که نتیجه‌ی آن حاکی از وجود اختلاف معنی‌دار بین نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشکده‌های مختلف بود. سپس برای پی بردن به منشأ این اختلاف، از آزمون تعقیبی ال اس دی استفاده شد. نتایج به دست آمده بیانگر دانشکده‌هایی است که در رابطه با زیرساخت‌های اشتراک دانش با یکدیگر اختلاف دارند. اختلاف هر دانشکده با دانشکده‌های دیگر در جدول ۷ خلاصه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش بیانگر آن است که از میان اعضای هیأت علمی، اکثریت شرکت کنندگان در این پژوهش یعنی ۸۴/۳٪ را مردان و ۱۵/۷٪ آنان را زنان تشکیل می‌دهد. بیشتر اعضای هیأت علمی از دانشکده‌ی فنی و مهندسی و کمترین آنان از دانشکده‌ی علوم آب بوده است که با توجه به تعداد اعضای هیأت علمی به نسبت هر دانشکده امری دور از انتظار نبوده است. از میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در این پژوهش ۵۵/۹ درصد را مردان و ۴۴/۱ درصد را زنان تشکیل داده بودند که احتمالاً دلیل این امر به نسبت تقریبی ۶۰ - ۴۰ در الگوی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها برمی‌گردد که در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود. یعنی درکل حدود ۶۰ درصد دانشجویان پذیرفته شده را مردان و ۴۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند.

به منظور بررسی وضعیت زیرساخت‌های موجود از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای یعنی از ۱ تا ۵ استفاده شده است، لذا برای قضاوت در مورد مطلوبیت زیرساخت‌های موجود بر اساس طیف بازرگان و همکاران (۱۳۸۶) عمل شده است؛ مطابق این طیف، نمرات از ۱ تا ۲/۳۳ را نامطلوب، از ۲/۳۴ تا ۳/۶۷ را نسبتاً مطلوب و از ۳/۶۸ تا ۵ را مطلوب ارزیابی می‌کنند.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

طبق نتایج به دست آمده از این مطالعه میانگین کلی وضعیت زیرساخت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجود برای اشتراک دانش از نظر اعضای هیأت علمی عددی برابر با ۲/۹۴ و از نظر دانشجویان رقمی برابر با ۲/۶۹ بود که بیانگر نظرات مشابه پاسخ دهندگان

نسبت به وجود این زیرساخت برای اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز بوده است که از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات رهنورد و صدر (۱۳۸۸)، اسماعیل پناه و خیاط مقدم (۱۳۹۲)، تاجداران، رضایی شریف‌آبادی و رفوآ (۱۳۹۲) همسو است.

برای بهبود زیرساخت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، لازم است مدیران قطب علمی مدیریت دانش به مسئولان مربوطه در دانشگاه شهید چمران اهواز کمک نمایند تا برای تهیه ابزارهای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند. ابزارهای تهیه شده بایستی مطابق و سازگار با نیازهای کاربران باشد. همچنین، پشتیبانی و نگهداری از این سیستم‌ها، برآوردن انتظارات کاربران و ایجاد فرهنگ استفاده از آن‌ها و آموزش به کاربران برای استفاده از این فناوری‌ها را جز برنامه‌های خود قرار دهند. درواقع به پیاده‌سازی صحیح سیستم‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی مورد نیاز در دانشگاه باری برسانند.

راهبردهای مدیریتی

یافته‌های مطالعه مشخص کرد که برای زیرساخت راهبردهای مدیریتی از نظر اعضای هیأت علمی میانگین کلی برابر با ۲/۷۲ و از نظر دانشجویان ۲/۶۸ به دست آمده است که بیانگر این موضوع است که از نظر جامعه‌ی مورد بررسی عوامل راهبردی مدیریتی اشتراک دانش در این سازمان در سطح نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شود. قطب علمی مدیریت دانش می‌تواند با تدوین برنامه‌های راهبردی بر مبنای دانش، برقراری نظام پاداش و دستمزد مبتنی بر دانش افراد و فعالیت‌های مرتبط با اشتراک دانش و برقراری ارتباط با متخصصین و اساتید دیگر دانشگاه‌ها، سازمان‌ها، صنایع و مراکز تحقیقاتی با ایجاد زمینه و فرصت آموزش و یادگیری بیشتر مدیران دانشگاه زمینه‌های لازم برای تقویت زیرساخت راهبردهای مدیریتی را در دانشگاه شهید چمران فراهم سازند.

عوامل ساختاری - اداری

میانگین به دست آمده در خصوص وضعیت زیرساخت عوامل ساختاری - اداری از نظر اعضای هیأت علمی برابر با ۲/۷۳ و از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی این عدد برابر با ۲/۸۶ است؛ که می‌توان وضعیت این زیرساخت را در سطح نسبتاً مطلوب ارزیابی کرد. اسماعیل پناه و خیاط مقدم (۱۳۹۲) وضعیت عوامل سازمانی را به طور کلی در سطح نسبتاً مطلوبی بیان می‌کنند که با یافته‌های این مطالعه هم‌راستا است. تاجداران، رضایی شریف‌آبادی

و رفوآ (۱۳۹۲) وضعیت کلی صنعت بیمه ایران به لحاظ زیرساخت سازمانی را نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌کنند که با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد.

مدیران و برنامه‌ریزان قطب علمی مدیریت دانش می‌توانند با ایجاد ساختار دانشی مناسب برای انجام فعالیت‌های مدیریت دانش از جمله اشتراک دانش، ایجاد مخزن دانش و تشویق به توسعه‌ی آن، شکل‌دهی گروه‌های دانشی در سازمان، برقراری ارتباطات دوسویه بین دانشجویان و مسئولان و ایجاد امکانات رسمی و غیررسمی برای اشتراک دانش و حمایت معنوی بیشتر از فعالیت‌های اشتراک دانش، به تقویت مؤلفه‌های این زیرساخت در دانشگاه بپردازند.

ساختار فرهنگی

میانگین کلی به دست آمده برای زیرساخت فرهنگی از نظر اعضای هیأت علمی برابر با ۳/۰۱ می‌باشد، در حالی که این عدد برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی برابر با ۲/۹۱ است. لذا از نظر جامعه پژوهش به طور کلی وضعیت زیرساخت فرهنگی را می‌توان در سطح متوسط مایل به نسبتاً مطلوب ارزیابی کرد. این نتیجه با نتایج مطالعه نعمتی انارکی و نوشین فرد (۱۳۹۲) هم‌راستا می‌باشد. لذا، مدیران و برنامه‌ریزان دانشگاه شهید چمران و قطب مدیریت دانش می‌توانند با گسترش برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و با نهادینه کردن فرهنگ اشتراک دانش و گسترش فرهنگ مشارکت در استفاده از دانش موجود موجب شکل‌گیری و تقویت فعالیت‌های گروهی و همکاری‌های بیشتر پژوهشی بین اساتید و دانشجویان شوند. در واقع، از این طریق، مدیران قطب می‌توانند با وضع سیاست‌های تشویقی و اختصاص زمان و هزینه‌ی مناسب، اساتید و دانشجویان را به سمت تقویت حس همکاری و اعتماد بیشتر و در نتیجه، گسترش فعالیت‌های اشتراک دانش سوق دهند.

عوامل انسانی

در بخش وضعیت زیرساخت عوامل انسانی میانگین کلی از نظر اعضای هیأت علمی برابر با ۲/۸۲ و از نظر دانشجویان برابر با ۲/۹۷ بود. لذا وضعیت این زیرساخت را نیز از دیدگاه جامعه پژوهش می‌توان در سطح نسبتاً مطلوبی ارزیابی کرد. تاجداران، رضایی شریف‌آبادی و رفوآ (۱۳۹۲) نیز وضعیت کلی صنعت بیمه ایران را به لحاظ عوامل انسانی نسبتاً مطلوب (۲/۸۶) برآورد کرده‌اند که با یافته‌های این مطالعه هم‌راستا است.

یکی از امکاناتی که در دانشگاه‌ها می‌تواند فرصت لازم را برای به اشتراک‌گذاری دانش فراهم کند، ایجاد انجمن‌ها و مجامع علمی است. دانشگاه برای فراهم ساختن این امکانات می-

تواند دانشکده‌ها را تشویق نماید تا با کمک اساتید و دانشجویان انجمن‌های علمی مربوط به رشته‌های مختلف را ایجاد، یا اگر وجود دارند، تقویت نمایند. اساتید می‌توانند تحت عنوان فعالیت‌های انجمن نشست‌های دوره‌ای با دانشجویان و اساتید برگزار کنند و برای تبادل و اشتراک دانش بین دانشجویان و اساتید شرایط را فراهم سازند و از آنان بخواهند که گروه‌های کاری دانشجویی (مثلاً متشکل از ۳ یا ۴ دانشجو) تشکیل دهند تا به صورت گروهی با یکدیگر بر روی موضوعات درسی یا موضوعات دیگری که دانشجویان علاقه دارند، فعالیت کنند و از طریق این تعاملات، امکانات لازم برای عینی کردن دانش نهفته در نزد افراد را فراهم کنند. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، برای بررسی مقایسه‌ای زیرساخت‌های اشتراک دانش بین دانشکده‌های دانشگاه شهید چمران اهواز اختلاف معنی‌دار را در دانشکده‌های مختلف نشان داد. به عبارتی، در بعضی از دانشکده‌ها زیرساخت‌های لازم برای اشتراک دانش فراهم بودند و در بعضی دیگر این زیرساخت‌ها وجود ندارد. این امر می‌تواند نشان‌دهنده‌ی فرهنگ سازمانی، مدیریتی و ساختاری - اداری حاکم بر دانشکده‌ها باشد.

کلام آخر

در یک جمع‌بندی کلی، با توجه به مسئله پژوهش و با در نظر گرفتن سه سطح نامطلوب، نسبتاً مطلوب و مطلوب برای ارزیابی وضعیت زیرساخت‌های اشتراک دانش، می‌توان اظهار داشت که در دانشگاه شهید چمران اهواز وضعیت زیرساخت‌های موجود برای اشتراک دانش یعنی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، راهبردهای مدیریتی، عوامل ساختاری - اداری، زیرساخت فرهنگی و عوامل انسانی از نظر اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند. در واقع، به بیان دیگر، وضعیت زیرساخت‌های موجود برای اشتراک دانش در حد متوسط است و می‌توان امیدوار بود که در صورت توجه جدی‌تر به پیاده‌سازی مدیریت دانش در این دانشگاه، چه از سوی مسئولین دانشگاه و چه از سوی قطب علمی مدیریت دانش که در این دانشگاه مستقر است، موفقیت نسبی حاصل خواهد شد. لیکن تردیدی نیست که ارتقاء سطح مؤلفه‌های مدیریت دانش و به ویژه توسعه و تحکیم فرایند اشتراک دانش در بین جامعه‌ی دانشگاهی برای کسب موفقیت بیشتر در پیاده‌سازی مدیریت دانش در این جامعه نیازمند بهبود و تقویت زیرساخت‌های موجود می‌باشد؛ و اما چاره‌اندیشی برای اتخاذ این تمهیدات می‌تواند در دستور کار قطب مدیریت دانش به عنوان یک بازوی علمی - اجرایی دانشگاه نیز قرار گرفته و بر اساس آن فعالیت‌های پیش روی خود را برنامه‌ریزی کند.

فهرست منابع

- اسماعیل پناه، فرشاد، خیاط مقدم، سعید (۱۳۹۲). بررسی وضعیت موجود اشتراک‌گذاری دانش بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد). مدیریت بهره‌وری، ۲۶: ۴۳-۶۸.
- بازرگان، عباس، حجازی، یوسف و اسحاقی، فاخته (۱۳۸۶). فرایند اجرای ارزیابی درونی در گروه‌های آموزشی دانشگاهی (راهنمای عملی)، چ ۲، تهران: نشر دوران.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت متن سند نهایی چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران دسترس پذیر در: www.dolat.ir
- پورسراجیان، داریوش، اولیا، محمد صالح، سلطانی‌علی‌آبادی، مژگان (۱۳۹۲). تعیین و اولویت‌بندی موانع به اشتراک‌گذاری دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی امام جواد (ع). فصلنامه تخصصی رشد فناوری، ۹ (۳۴).
- تاجداران، منصور، رضایی شریف‌آبادی، سعید، رفوآ، شبنم (۱۳۹۲). بررسی میزان رعایت مؤلفه‌های زیرساخت‌های اشتراک دانش در صنعت بیمه ایران. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۵ (۲): ۶۱-۸۲.
- جاشاپارا، آشوک، ترجمه مصطفی کاظمی، مرجان فیاضی و مجتبی کفاشیان (۱۳۸۸). رویکردی منسجم در مدیریت دانش. تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- جعفرزاده کرمانی، زهرا (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش اعضاء هیأت علمی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران و ارائه الگوی پیشنهادی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- رهنورد، فرج‌اله، صدر، فاطمه (۱۳۸۸). رابطه ادراک فرهنگ تسهیم دانش کارکنان با عوامل سازمانی در دستگاه‌های دولتی. نشریه فراسوی مدیریت. ۲(۸): ۵۱-۷۴.
- سلیمان‌پور، سمیرا (۱۳۹۴). بررسی وضعیت اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ به منظور ارائه راهکارهایی برای پیاده‌سازی سازوکارهای عملی اشتراک دانش در این دانشگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

علی پور درویشی، زهرا (۱۳۹۱). ارائه مدل عوامل مؤثر بر تسهیم دانش گروه‌های آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی (پیمایشی پیرامون واحد تهران شمال و علوم و تحقیقات) فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، ۱۰ (بهار ۱۳۹۱): ۹۱.

مانیان، امیر، میرا، سید ابوالقاسم، کریمی، احسان (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های مؤثر بر تسهیم دانش در میان دانشجویان دوره‌های آموزش الکترونیکی (مطالعه موردی: مرکز آموزش‌های الکترونیکی دانشگاه تهران). پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ۲۷ (۱): ۴۷-۶۵.

نعمتی انارکی، لیلا، نوشین فرد، فاطمه (۱۳۹۲). اشتراک دانش و فرهنگ سازمانی در میان اعضای هیأت علمی رشته پزشکی. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۲۵ (۴): ۱۲۹-۱۴۳.

نعمتی انارکی، لیلا، نوشین فرد، فاطمه، باب الحوائجی، فهیمه، ابادری، زهرا (۱۳۹۲). عوامل فردی مؤثر بر اشتراک دانش میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی. مدیریت اطلاعات سلامت. ۱۰ (۵): ۷۱۴-۷۲۵.

Chin, Wei Chong, Yee, Yen Yuen, Geok, Chew Gan (2013). Knowledge Sharing of Academic Staff: A Comparison Between Private and Public Universities in Malaysia. *Library Review*, 63 (3): 203 - 223.

Fullwood, Roger, Rowley, Jennifer, Delbridge, Rachel (2012). Knowledge Sharing Amongst Academics in UK Universities. *Journal of Knowledge Management*, 17 (1): 123- 136.

Ghadirian, Hajar, Fauzi Mohd Ayub, Ahmad, Silong, Abu Daud, Binti Abu Bakar, Kamariah, Hossein Zadeh, Ali Mohammad (2014). Knowledge Sharing Behaviour Among Students in Learning Environments: A Review of Literature. *Asian Social Science*, 10(4): 38- 45.

Isika, Nwakego Ugochi, Ismail, Maizatul Akmar, Ahmad Khan, Ali Fauzi (2012). Knowledge Sharing Behavior of Postgraduate Student in University of Malaya. *The Electronic Library*, 31(6): 713 – 726.

King, (1999). Knowledge Management: applying manufacturing theory in knowledge – based industries. *Management Accounting*. 77 (3).

Sohil, sadiq, Daud, Salina (2009). Knowledge Sharing in Higher Education Institution Perspectives From Malaysia. *The Journal of Information and Knowledge Management*, 32 (2): 125- 142.

Ting Jer Yuen, M. Shaheen Majid (2006). Knowledge Sharing Patterns of Undergraduate Students in Singapore. *Library Review*, 56(6): 485- 495.

Yu Cheng, Ming, Yin Ho, Jessica Sze, Lau, Pei Mey (2009). Knowledge Sharing in Academic Institution: a Study of Multimedia University Malaysia. *Electronic Journal of Knowledge Management*, 7(3): 313- 324.